



فتوحات فریدونیه

سعید میرمحمد صادق، محمدنادر نصیری مقدم



تاریخ ایران عصر صفوی (۱۱۳۵ - ۹۰۵ هـ. ق) که غالباً دوره اوج قدرت و عظمت آن را عهد شاه عباس اول (۱۰۳۸ - ۹۹۶ هـ. ق) می‌دانند، علیرغم تحقیقات بسیار پژوهشگران داخلی و خارجی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، هنوز نقاط مبهم و تاریک فراوان دارد؛ و شاید بتوان گفت این نقصیه، زمانی برطرف خواهد شد که کلیه آثار مربوط به تاریخ این عصر از زوایا و گوشه‌های کتابخانه‌های عمومی و شخصی به در آمده، چاپ و منتشر گردند.

فی الواقع، سلسله صفویه بر خلاف سایر سلسله‌های حکومتی در ایران - به استثناء سلسله قاجار - نه تنها دچار کمبود منابع نیست، بلکه از افزونی و گستردگی منابع، رنج فراوان می‌برد؛ و شاید این گفته «بار تولد» محقق روسی، پر بیراه نباشد که پژوهشگر تاریخ ایران قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم میلادی «نه از لحاظ قلت، بلکه به سبب انراوانی مطالب و مدارک که در تعداد کثیری از کتابخانه‌ها متفرق می‌باشد و نیازمند تدقیق و مطالعه و پیش از همه، چاپ انتقادی است، در زحمت خواهد بود. «بر این اساس به ارائه یکی از نسخه‌های خطی تاریخ ایران عهد شاه عباس اول صفوی مبادرت می‌گردد.

کتاب فتوحات فریدونیه، نوشته محمد طاهر فرزند حسن خادم بسطامی درباره فتوحات فریدون خان چرکس، امیرالامرای استرآباد، مازندران، بسطام، دامغان، گرایلی، کبود جامه و درون می‌باشد. مؤلف این اثر، بنا بر گفته خویش در دیباچه کتاب، به سال ۱۰۲۲ هـ. ق پس از بازگشت از سفر زیارتی مشهد مقدس به موطن خود، بسطام، به حضور فریدون خان می‌رسد و مأمور تألیف این تاریخ می‌گردد.

فریدون خان چرکس از جمله غلامان شاه عباس بوده که در

هفت سالگی توسط سارقان چرکسی^۲ دزدیده، به جماعت لرگی^۳ فروخته می‌شود. پس از هفت سال و نیم اسارت و بندگی، عاقبت یکی از مأمورین دولتی، وی را خریده، در سلک غلامان وارد دربار شاه عباس اول می‌سازد.

فریدون خان با انجام خدماتی، به منصب «قورچی زره»^۴ نایل شده، در سال ۱۰۱۴ هـ. ق به دنبال فداکاری برای نجات شاه عباس از خطر مرگ که بواسطه حمله یکی از اسرای گُرد مکرری پدید آمده بود، مورد توجه خاص پادشاه صفوی قرار می‌گیرد؛ و هنگامی که ترکمانان ناحیه دشت گرگان و درون از ضعف نفس یوسف خان، والی منطقه، سوء استفاده کرده، به تجاوز و تعدی علیه اهالی می‌پردازند، شاه عباس، فریدون خان را به منظور سرکوبی ایشان روانه می‌نماید. (۱۰۱۵ هـ. ق) فریدون خان در نخستین مصاف خود با ترکمانان، سربلند و موفق از میدان خارج شده، قلعه مبارک آباد استرآباد را به تصرف خویش در می‌آورد و از این زمان شاه عباس، وی را به منصب امیرالامرای منطقه مفتخر می‌سازد.

فریدون خان بنا بر آنچه در عالم آرای عباسی آمده، تا سال ۱۰۳۰ هـ. ق سمت امیرالامرای را به عهده داشته است.^۵ بنا بر گفته اسکندربیک منشی، در ۱۰۲۰ هـ. ق زمانی که ولی محمدخان ازبک به دربار ایران دعوت شده بود، فریدون خان «از استرآباد به بسطام آمده تا چشمه الهاک که هشت فرسخ است، استقبال کرده، تحف و هدایا گذرانیده، خدمات شایسته به تقدیم رسانیده است.»^۶ سال بعد یعنی در ۱۰۲۱ هـ. ق شاه عباس نیز پس از مسافرت به مشهد در راه بازگشت، به استرآباد آمده، مورد پذیرایی فریدون خان واقع می‌شود. چنانکه اسکندربیک گوید: «القصه آن حضرت تا نه روز در مشهد مقدس به دعا و زیارت و خدمات روضه مطهر پرداخته... در حین مراجعت... از راه دشت،

سیرکنان و شکارافکنان به دارالمؤمنین استرآباد رسیدند. چند روز به داد دهی و انجاح مقاصد ارباب حاجات آن ملک توجه فرموده فریدون خان حاکم آنجا کماینبگی به لوازم ضیافت و خدمت پرداخت. ^۷

اسکندریک منشی، ذیل وقایع سال ۱۰۳۰ هـ. ق خبر درگذشت و اقدامات فریدون خان در زمان حیات را این گونه بیان می کند: «فریدون خان حاکم استرآباد در بیلاق ساور بیمار شده به شهر آوردند. روز به روز، مرض اشتداد پذیرفته، معالجات اطباء مفید نیفتاد. والی طبیعتش دست از حکومت ملک بدن کوتاه کرده میل سرمنزق بقا نمود. نعش او را به مشهد مقدس رضوی، نقل کردند. وی از قبیله چرکس و از زمره عبید نواب همایون اعلی بود و آن حضرت، جوهر رشد و دانایی از ناصیه احوالش مشاهده فرموده در مقام تربیتش درآمدند و همواره مورد توجهات شاهانه بود تا آنکه به حکومت دارالمؤمنین استرآباد سربلندی یافت. هیجده سال به دارایی آن ولایت اشتغال داشت. ^۸ با خلق آن دیار سلوک پسندیده نموده، بین الجمهور به سلامت نفس مشهور و به صنف عدالت و نیکنامی موصوف بود. او را در مدت دارایی، با طوایف اشرار و متمردين ایل صاین خان مشهور به ترکمان که همیشه در حدود استرآباد، طغیان ورزیده شورافزایی می نمودند، محاربات قوی و نبردهای عظیم روی داده، به نیروی اقبال همایون و شجاعت و دلیری، همیشه فیروزی یافت، چنانچه از آن طبقه متمرّد، خصوصاً گوکلن و اوخلو که در تمرّد و طغیان از سایر آن قوم در پیش و به کثرت و وفور بیش بودند، صاحب وجودی نگذاشت. ^۹

کتاب فتوحات فریدونیه در واقع، تاریخ همان لشکر کشیها، جنگ آوریها و گزارش تدابیر و سیاستهایی است که فریدون خان در ایجاد اختلاف و نفاق بین سران گوکلانها به کار بسته است؛ و مؤلف این اثر، یعنی محمد طاهر بسطامی، وقایع مذکور را طی یک مقدمه، بیست فتح و خاتمه بیان کرده است. محمد طاهر در

ذکر این وقایع، آنچه که به سرگذشت فریدون خان مربوط می شود - نظیر اسیر شدن به دست سارقین، فرار، فروخته شدن و ورود به دربار - را از تقریرات شخصی فریدون خان استفاده کرده است؛ و آنچه که به فتوحات و لشکر کشیها باز می گردد، از نقل قولهای شمس قاسم بیک لشکر نویس بهره جسته است. مؤلف همچنین در جای جای مطالب، اشعاری را نیز از شعرای بزرگ با ذکر مأخذ و از سروده های خویش با ذکر عبارت «لراقمه» یا «لمورخه» آورده است که تقریباً بالغ بر ۳۴۴ بیت می گردد؛ و جالب آنکه نام این وقایع نگار شاعر در تذکره نصرآبادی که معاصر و قریب العهد با وی بوده ذکر نگردیده است؛ و اینک با ارائه مقاله حاضر علاوه بر آنکه یک منبع مهم تاریخ ایران عصر صفوی معرفی می گردد، به وجود و اثر شاعری از عهد صفوی نیز پی می بریم.

اهمیت دیگر کتاب فتوحات فریدونیه ارائه مطالبی در خصوص اوضاع نواحی شمالشرقی ایران عهد شاه عباس اول می باشد که تاکنون در کتاب دیگری بدین شرح و تفصیل نیامده است. در این متن تاریخی، همچنین به نام قبایل و طوایفی از تراکمه و ساکنان دشت قبچاق اشاره شده که شاید بتوان گفت امروزه اثری از آنها برجای نمی باشد.

یگانه نسخه نفیس کتاب فتوحات فریدونیه به شماره ۳۳۱۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. استاد محمدتقی دانش پژوه در جلد یازدهم فهرست نسخه های خطی این کتابخانه در خصوص مشخصات ظاهری کتاب فتوحات فریدونیه چنین نوشته اند: نستعلیق مؤلف، عنوان و نشان شنگرف؛ نسخه بسیار پاکیزه ایست و گویا یک صفحه ای بیشتر افتادگی نداشته باشد.

۱۱ ص ۷×۱۵، ۸۶ گ ۱۲×۲۳. کاغذ سپاهانی، جلد تیماج مشکی ضربی مقوایی. ^{۱۰}

در خاتمه، امیدوار است، ارائه کتاب فتوحات فریدونیه مورد قبول صاحب نظران و پژوهشگران عرصه تاریخ ایران عصر صفوی قرار گیرد. *

پی نوشت ها:

۱. پیگولوسکایا و دیگران: تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶)، ج ۲: ص ۴۹۲
۲. کسانی را که شمال ناحیه دربند قرار داشتند «چرکس» می خواندند. (مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۱۸۷)
۳. ساکنان جنوب ناحیه دربند را «لرگی» می نامیدند.
۴. معادل ترکی این اصطلاح «کیبیم قورچیسی» است و احتمالاً قورچی زره، عهده دار حفظ و ارائه بموقع زره شاهی بوده است؛ وی همچنین به همراه سایر قورچیان، در محافل سلطنتی و مواقع بار عام در نزدیکی شاه قرار داشت. (همان اثر؛ ص ۸۷-۸۶)
۵. اسکندر بیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۴، ص ۶۸۰
۶. همان اثر، ص ۵۹۱
۷. همان اثر، ص ۶۰۵
۸. فریدون خان از سال ۱۰۱۵ هـ. ق، امیرالامرای استرآباد شده است. بنابراین، نظر اسکندریک در مورد ایام حکمرانی فریدون خان اشتباه می باشد.
۹. همان اثر، صص ۶۸۱-۶۸۰
۱۰. محمدتقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰)، صص ۲۲۹۹-۲۲۹۷